



یادداشت

حکومت نظامی هم مانع تداوم مبارزات مردم و نجات رژیم نمی شود!

صادق کار



تشدید سرکوب و اختناق که بعد از تجاوز اسرائیل و امریکا، به ایران شروع شده بود روز به روز دامنه دارتر شده است. این سرکوبها در هفته گذشته با یورشها و دستگیری های پیاپی تعدادی از فعالین سیاسی و مدنی که همه ی آنها با تجاوز اسرائیل و امریکا و تحریم های اقتصادی تازه مخالفت کرده بودند وارد مرحله معنی داری شده است و به نظر می رسد نیروهای اقتدار گرا در تدارک استقرار یک نظم تازه که بی شباهت به حکومت نظامی خشن پینوشیهای نیست هستند. البته تشدید اختناق و سرکوب ماهها قبل از تجاوز اسرائیل و امریکا به ایران شروع شده بود، ولی بعد از آن دامنه اش گسترده تر و حشियانه تر شد. این حالت در حالی شکل گرفت که مردم در جنگ ۱۲ روزه پیام های فربیکارانه اسرائیل و امریکا و عامل و همدست شان رضا پهلوی را برای حمایت از تجاوز شان بی پاسخ گذاشتند. علی خامنه ای و سایر کارگزاران رژیم فقاقتی نیز عدم همراهی مردم را ستودند و با اینکه می دانستند، دلیل واکنش مردم حمایت از رژیم نیست سعی کردند به حساب حمایت از خود بگذارند.

عده ای از مقامات سابق مانند روحانی نیز همین را تبلیغ کردند و سعی داشتند با استناد به این تفسیر وارونه راه بازگشت دارودسته خود به قدرت را فراهم کنند و آن را به حساب ناسپاسی جریان غالب از مردم تعبیر کردند.

اما رویدادهای بعد از جنگ و رفتار رژیم با مردم نشان داد که رژیم می داند که انگیزه و هدف مردم به هیچ روی حمایت از رژیم نبوده بلکه مخالفت با اشغال ایران و استعمار خارجی و افتادن از دام رژیم اسلامی به دام استعمارگران خارجی بوده است.

اگر رژیم براستی آن طور که ادعا می کند امتناع مردم را به حساب حمایت از خود می دانست، در آن صورت دیگر چه نیازی به تشدید سرکوب و تعمیم دامنه آن به میان کسانی داشت که حمله اسرائیل و امریکا را محکوم کرده بودند؟

خیر چنین نیست، تشدید سرکوب که همه ی مخالفان و منتقدان رژیم را در بر گرفته و به نظر می رسد رژیم آن را یگانه راه بقای خود می بیند ادامه پیدا خواهد کرد. رژیم تلاش خواهند کرد آنرا به حساب حمایت مردم از خود و ناکامی اسرائیل جلوه دهند. این تاکتیک مکارانه شاید تا زمانی که سایه جنگ از سر مردم بر طرف



نشده باشد، تا حدودی عمل کند، اما بواسطه تناقضات متعددی که بین آن با آنچه مردم در عمل مشاهده می کنند می تواند ضد خودش عمل کند.

جنگ ۱۲ روزه البته برای رژیم کلا خالی از دستاورد هم نبود. در اثر این جنگ ضرباتی بر پیکر جنبش های مردمی در کوتاه مدت وارد شد، بخشی از بدنه رژیم که ریزش کرده بود بسوی رژیم برگشت، موقعیت خامنه ای و رژیم بخاطر جنایات اسرائیل و اشغال سرزمینهای تازه در لبنان و سوریه در میان مردم عرب تقویت شد و موقعیت جناح غربگرایان در حکومت تضعیف و مخالفان مصالحه با امریکا تقویت شد. این عوامل نیز به نوبه خود وسوسه یکدست سازی حکوم را تقویت کرده است.

من هیچ نهاد واقعی مدنی، صنفی، حقوق بشری و سیاسی را ندیدم که از حمله به ایران حمایت کند. خیلی ها حتی آن را محکوم کردند. اما از اظهارات سرداران سپاه می شنویم که آنها همه ی این نهادها و اعتراضات مطالباتی تا جنبش زن، زندگی، آزادی را بدون ارائه مستندات به پروژه های براندازنه کشورهای خارجی متهم می کنند و سرکوب آنها را در دستور کار قرار داده اند. مقصود واقعی از این اتهامات جعلی به نهادهای مدنی و تشدید روز افزون سرکوب و اختناق فراهم کردن نوعی حکومت نظامی وحشی تر از حالت فعلی است که دامنه آن حتی بخش هایی از جریانات درونی نظام امثال دارو دسته اصلاح طلبان و روحانی و رفسنجانی را در بر می گیرد و از هم اکنون کلید خورده است. پروژه مشترک دولت وفاق خامنه ای و اصلاح طلبان که در دوره رئیسی نافرجام ماند، اینک دوباره تلاش می شود با استفاده از فضای جنگی در شکلی خشنتر احیا شود. بهمین جهت است که به رغم کاهش خطر جنگ سرداران سپاه دوباره به رجز خوانی های جنگی روی آورده اند و تلاش می کنند این فضا را برای پیشبرد اهداف خود برپا نگه دارند. با این احوال این رویکرد نیز کج راهه دیگری است مانند کجراهه های پیشین که اگر چه خسارات تازه ای را بر مردم و کشور وارد می کند، مانع از سرنگونی و فروپاشی رژیم خامنه ای به دستهای توانای مردم ایران خواهد شد.

اتحاد رمز پیروزی است!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!

سومین سالگرد جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و یاد جان باختگان و آسیب دیدگان و زندانیان جنبش را گرامی می داریم و دست آوردهای انقلابی و مترقیانه آن را ارج می نهیم و خود را متعهد و مکلف به محافظت از دست آوردها آن می دانیم!

فقر: علل و چاره های آن بخش سوم

عبدالغنی فریندا، تنو مینگ تینگ، مجله بین المللی علوم انسانی و اجتماعی



3. علل فقر

3.1 فساد

بانک جهانی اثرات مخرب فساد را به رسمیت می شناسد. این نهاد بر این نظر است که رویه فساد "ارائه خدمات عمومی را تضعیف می کند، منابع عمومی را به مسیر نادرست هدایت می کند، و رشدی را که برای بیرون کشیدن مردم از قهقرای فقر ضرور است، به تأخیر می اندازد... فساد نیروهای محرکه پشت اصلاحات را تضعیف می کند و در اثر آن منابع حیاتی به خارج از کشور منتقل می شوند. سرمایه گذاران خارجی با ناامیدی از کشور مفروض روی برمی گردانند... فساد درآمدهای عمومی را کاهش می دهد، اعتماد عمومی را از بین می برد، و اعتبار دولت را به شدت تضعیف می کند

، فرضیه ای را مطرح کرد که فساد بیشتر در محیطی رخ (Rebert Klitgaard) محقق برجسته، روبرت کلیتگارد می دهد که مقامات بر منابع دولتی کنترل انحصاری دارند؛ در حالی که مکانیسمهای پاسخگویی این مقامات در قبال اقداماتشان ضعیف است و این امر سرمایه گذاری خصوصی را در آن جامعه کاهش می دهد. امروزه به طور گسترده به عنوان نشانه ای از حکمرانی ضعیف و مانع بزرگی برای تلاشهای کاهش فقر شناخته شده است که باعث کاهش کیفیت کالاها و خدمات در دسترس عموم می شود. این در حالی است که پیشتر برخی از محققان استدلال می کردند فساد می تواند کارایی اقتصادی را در کشورهایی با مقررات سنگین و نقش غالب دولت در اقتصاد افزایش دهد. فساد می تواند پیامدهای نامطلوبی، چه به طور مستقیم و چه غیرمستقیم، به ویژه برای کشورهای فقیر در جنوب آسیا، هندوچین، آمریکای مرکزی، برزیل و آفریقا داشته باشد

اگرچه نرخ رشد اقتصادی بالاتر با نرخ بالاتر کاهش فقر همراه است، اما در واقعیت، گسترش فساد نرخ کاهش فقر را کند و رشد اقتصادی و رفاه عمومی جامعه آن کشور خاص را تضعیف می کند. بنابراین می توان انتظار داشت که دولتهای فاسد به مراتب بیشتر به منافع خصوصی شان علاقه مند باشند تا به حمایت از توسعه مردم و کشورشان

فساد در بخش عمومی به عنوان سوء استفاده از قدرت عمومی برای منافع خصوصی تعریف می شود. فساد به دسترسی ترجیحی به کالاها و خدمات عمومی، بیمه بیدلیل و مجانی پروژهها و قراردادهای بخش عمومی، استخدام غیرقانونی در بخش عمومی، رشوه دهی و رشوه گیری، سوء استفاده از اطلاعات رسمی، اجرای ناهماهنگ قوانین و غیره اشاره دارد. این پدیده منجر به از دست دادن اعتماد عمومی می شود. در بسیاری از کشورها، پول جمع آوری شده از فساد برای تأمین مالی احزاب سیاسی استفاده می شود. فساد با تضعیف هدف مداخله دولت در اقتصاد، علت اصلی شکست دولت به دلیل تخصیص نادرست منابع است که ناشی از تخریب هدف توسعه ای کشور است؛ روندی که منجر به فقر کشور می شود



از جمله عواملی که باعث افزایش فساد می شوند، سطوح پایین اجرای قانون، فقدان شفافیت قوانین، شفافیت و پاسخگویی در اقدامات عمومی، کنترل‌های مفرط که اختیارات بیش از حدی به مقامات عمومی می دهند، تمرکز و انحصار قدرت بیش از حد در اختیار مقامات عمومی، دستمزد نسبی پایین مقامات عمومی، و همچنین اندازه بزرگ بخش عمومی است. اگرچه چنین نیست که همه این عوامل همواره بر فساد در جهت گسترش آن تأثیر بگذارند، با این حال این توافق وجود دارد که هرچه بخش دولتی بزرگ تر باشد، دستمزد نسبی بخش عمومی پایینتر و کیفیت بوروکراسی نیز نازلتر باشد، فساد گسترده تر خواهد بود. کشورهایی مانند بنگلادش و هند با این فساد بخش عمومی به ویژه در بخش پلیس، گمرک، مالیات و دبیرخانه ملی روبرو اند. در بنگلادش و هند، رشوه مخرب ترین شکل فساد در بخش عمومی است. این امر در اکثر ادارات به یک رویه استاندارد تبدیل شده است که به مقامات مربوطه رشوه داده شود. پیامد این رشوه خواری شایع موجب شده است که ادارات دولتی اخذ تصمیم را تا زمان پرداخت رشوه به تأخیر اندازند. از این قرار معیار تصمیمات مقدار و زمان رشوه است، نه شایستگی یا منافع توسعه کشور.

از کارگزاران سازندگی تا سلطنت طلبان_ترس از رشد عدالت خواهی است

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!



مصطفی کمالی

بدون شک چپ ستیزی نه تنها دست آورد ۴۷ ساله حکومت اسلامی بلکه میراث و ادامه همان سیاستی است که دوران سلطنت پهلوی پایه گذاری شده است.

وضعیت حاکمیت اسلامی بعنوان حافظ منافع سرمایه داری رانت خوار و مافیایی که در بحران های لاینحل گرفتار آمده و این روزها که صدای عدالت خواهی و ظلم ستیزی و آزادیخواهی کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و دیگر زحمتکشان ایران رساتر ورشد یاهمگرایی بیشتر از هر زمان دیگر، حافظان نظام استبدادی و سرمایه داری غارتگر را به وحشت انداخته و بی سبب نیست که این روزها از طرف نیروهای سلطنت طلب



وراست افراطی احزاب اصلاح طل حکومتی رانت خوار وامینیتی ها در کنار هم قرار می گیرند و با یک برنامه هماهنگ که سر نخ آنرا باید در اتاق امنیتی ها جست با هر شیوه پروپاگاندا و مغلطه گری و دروغ بافی به ستیز بیشتر با تفکر چپ برخاسته اند

هم پوشانی حکومت جنایتکار و غارتگر اسلامی با سلطنت طلبان که خود دارای پیشینه سیاهی از استبداد، سرکوب، رانت و اعدام می باشند هیچ تعجیبی ندارد. با وجود تفاوت های ظاهری بین حکومت ولایت فقیه با سلطنت طلبان آنان در دو اصل باهم مشترکند. سرکوب نیروهای چپ و دموکرات و تشکل های دموکراتیک، سندیکاها و اتحادیه ها مستقل کارگری و حفظ قدرت و ثروت در دست اقلیتی سرمایه دار و رانت خوار و چپاول گر

حذف فیزیکی و سیاسی نیروهای چپ و دموکرات و سرکوب تشکل های دموکراتیک و سندیکاها و اتحادیه ها - ۱-
مستقل کارگری و مدنی

حفظ قدرت و ثروت در دست اقلیتی رانت خوار و چپاول گر- ۲

این دشمنی دیرینه با تفکر چپ نه یک سیاست بلکه از عدالت خواهی، آزادی طلبی و دموکراسی خواهی تفکر چپ برخاسته، برنامه و اهدافی که نه با نظام مافیایی حکومت اسلامی و نه با سلطنت طلبان اویران به نوستالژیک هیچ سازگاری و قرابتی ندارد

نقش اصلاح طلبان در تعیین مسیر چپ ستیزی

اصلاح طلبان در طول حاکمیت اسلامی بخشی از شبکه قدرت و ثروت بوده و نقش حافظ نظم

رانتی را از دوران رفسنجانی با پیش برد سیاست های نئولیبرالی، خصوصی سازی و خصولتی سازی وامینیتی کردن اقتصاد را با دیگر بخش های حکومت پیش برده اند و در تمام سرکوب ها و جنایت حاکمیت سهمیم هستند. حزب کارگزاران سازندگی که در تجارت و هواپیمایی و مافیای آب و ساخت و سازهای شهری دارای بالاترین رانت می باشد، خانه کارگر و شورای های کار در کنار وزارت کار بعنوان بازوان سرکوب کارگران و زحمتکشان و غارت صنایع در طول این حکومت در اختیار اصلاح طلبان بود و هست. رسانه های اصلاح طلبان همراه با امنیتی ها و جناح های دیگر در حکومت ناتوانی و ورشکستگی اقتصادی خود را به دروغ به تفکر چپ منصوب می کنند. و با وقیحانه ترین شکل به تخریب و جعل اطلاعات بر علیه چپ می پردازند. چپ را بعنوان ضد

توسعه و ضد نظم اقتصادی به مردم می فروشند در حالی که خود در ۴۷ سال گذشته بخش اعظم رانت و فساد و غارت صنایع و نابودی محیط زیست را در کارنامه دارند

ترس حکومت از چپ و اعتراضات کارگری - ۳

در واقع باید دانست که چپ ستیزی ترس کل نظام سرمایه داری غارتگر حاکم بر ایران و سلطنت طلبان از گسترش و رشد یابندگی جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان و پیوند تفکر چپ با این جنبش های اجتماعی است. تفکر چپ که مدافع عدالت اجتماعی و آزادی و دموکراسی و برابر حقوقی تمام مردم با هر عقیده و ایده ای است. اعتصاب ها و اعتراض های کارگران و معلمان و بازنشستگان و دیگر زحمتکشان که حقوقشان پایمال و غارت شده است. هر روز قوی تر و با شعار هایی که راس نظام فاسد و سپاه حافظ سرمایه داران نو کیسه



رانت خوار را هدف می‌گیرد، این اعتراضات با قدم‌های مطمئن‌تر با شعارهایی بر علیه سلطه پیمانکاران، امنیت شغلی واقعی، و علیه خصولتی سازی، و تسلط و غارت سپاه پاسداران و بیت رهبری بر کل ثروت کشور چنگ انداخته، حرکتی رشد یابنده دارد

بعد از جنگ ۱۲ روزه ناتوانی، عدم مدیریت و مهم‌تر عدم انسجام درونی حکومت، وضعف نظامی آن به عینه مردم شاهد بودند. در اصل آبرویی برای این حاکمیت از هر جناح باقی نمانده و دیگر اعتباری برای حاکمان در بین مردم وجود ندارد.

در چنین شرایطی، هجوم هماهنگ و سازمان یافته تمام جبهه مدافعان استبداد و سرمایه داری غارتگر با پرچم داری روزنامه میهن و نویسنده ای پادو رانت خواران و فاسدان چون

قوچانی خط چپ ستیزی را استارت زده و سلطنت طلبان هم بعنوان بال برون مرزی سرکوب به آن دامن زده اند.

می‌دانند که اگر آگاهی و گفتمان چپ با کف خیابان در هم آمیزد، دیگر نه سرکوب و نه تبلیغات دروغین این حافظان قدرت و ثروت توان مهار جنبش مردمی را ندارند باید توجه داشت که جدا از طیف‌های طرفداران استبداد و دیکتاتوری و غارتگران، اشتباهات و پراکندگی نیروهای چپ خود عامل تضعیف بیشتر جنبش شده است. متأسفانه دو گرایش انحرافی که خود را چپ تعریف می‌کنند، چپ معروف به محور مقاومت این طریق زیر ضرب تهمت و افترا قرار می‌دهند.

چپ محور مقاومت، که در کنار متحجرترین بخش حکومت از پایداریچی‌ها و اصول‌گرایان قرار می‌گیرد و با ۱- شعار ضد امپریالیستی، تمام جنایت و غارتگری حکومت اسلامی را نادیده گرفته، و حتی امپریالیسم را فقط در آمریکا ستیزی و پرو روسی می‌بند

از طریق حکومت و سلطنت طلبان بعنوان جریان اصلی چپ به جامعه فروخته می‌شود. و نیروهای واقعی انقلابی را از فرمیست‌ها تفکیک می‌کند

چپ رفرمیسم، اصلاح طلب-۲

بخش دیگری که با تمام خطاها و اشتباهات ۴۷ ساله خویش هنوز به نقد ننشسته و هنوز دل در گرو اصلاح حکومت اسلامی و اصلاح طلبان دارد. صدای کارگران و زحمتکشانش تنها بهانه ای برای تبلیغ به خدمت می‌گیرد و از چپ برای خود دکانی ساخته است. به یک نیروی دنبال رو اصلاح طلبان بدل شده و همیشه چشم ترحمی از آنها طلب می‌کند. و گاهی در نقش نصیحت الملوک به خامنه‌ای بعنوان رهبر جنایت کاران حکومت اعلام وفاداری می‌کند. هر چند این جریان بخواهد خود چپ بنامد بخشی از پروپاگاندای حکومت بر علیه جنبش چپ عدالت خواه و ضد سلطه می‌باشد

حاکمیت اسلامی و سلطنت طلبان این دو جریان را بعنوان چماقی بر تفکر چپ همواره کوبیده

و اما بحث اصلی بر تفکر چپی

است که ضد هر نوع سلطه و تبعیض و دیکتاتوریت، در عمل و بیان معتقد به عدالت اجتماعی و دموکراسی گسترده تا پایین ترین لایه های اجتماع. ضد هر نوع تبعیض است. تفکر و سیاست چپ جامعه گرا که جایگاه



خود را در کنار جنبش های کارگران و دیگر زحمتکشان می داند. و از زاویه منافع ملی ایران بر سیاست جهانی می نگرد.

نیاز امروز تفکر چپ جامعه گرا

تلاش برای یک گفتمان مشترک بر پایه منافع زحمتکشان در جهت همراهی و همگامی برای سرنگونی ..حاکمیت جنایت کار اسلامی است. که متأسفانه هنوز به این نیاز نتوانسته است پاسخ دهد

این نوشته قبل از دستگیر گروهی متفکران و اقتصاد دانان چپ نوشته شده بود. و به این سرکوبگری و جنایت حکومت اشاره ندارد.

چاره کارگران و مزد بگیران وحدت و تشکیلات مستقل است!

اعتراض شد ولی تکلیف کارگران ارکان ثالث رفع نشده ماند

صادق



در روز ۱۰ آبان بیش از ۱۰۰۰ نفر از پیگیرترین کارگران شرکت های پیمانکاری "ارکان ثالث" که در واقع از ارکانهای اصلی صنعت نفت هستند از شهرهای مختلف جنوبی کشور خود را برای شرکت در اعتراض بزرگی که مقابل ساختمان ریاست جمهوری برگزار شد به تهران رساندند تا به مقامات حکومتی و و صاحبان شرکتهای پیمانکاری حالی کنند که روی مطالبه اصلی خود که حذف شرکتهای پیمانکاری و دلالتان بازار کار که بخش زیادی از حق زحمت و دستمزد شان را به جیب می زنند، ایستاده‌اند و حاضرند تا رسیدن به حق و حقوق پایمال شده شان مبارزه نمایند.

طنین شعار "توپ، تانک فشفشه، پیمکار باید حذف بشه" در تظاهرات ۱۰ آبان حاکی از اراده قوی شرکت کنندگان در تظاهرات ۱۰ آبان بود.

بعد از این تظاهرات چه خواهد شد؟

در اینکه آیا حکومت و صاحبان شرکتهای پیمانکاری که با استثمار مضاعف کارگران این شرکتهای سالانه هزاران میلیارد پول اضافی بدون زحمت و تلاش به جیب می زنند، حاضرند به این مطالبه به حق کارگران نفت و بقیه صنایع تن در دهند، جای تردید بسیار وجود دارد



سرمایه دار و دولت های سرمایه داری خصوصا در نظام های دیکتاتوری زمانی که قانون و شرایط ناحقی را به مردم تحمیل می کنند، فقط در اثر وجود یک جنبش بزرگ و پر قدرت اجتماعی است که مجبور به عقب نشینی در مقابل مردم خواهند شد.

کما اینکه ۴ سال است که در نهادهای قدرت طرحی که بعد از اعتراضات گسترده کارگران قرار بود به این وضع خاتمه دهد و صدها هزار کارگر را از این استثمار و ستم مضاعف برهاند مانند توپ سرگردان بین نهادهای قدرت پاسکاری شده و بی نتیجه مانده است. تجمع کارگران در واقع واکنشی بود نسبت به سردواندن ماهرانه طی همه ی این سالها.

واقعیت این است که صاحبان اصلی شرکتهای پیمانکاری خود بخشی از قدرت سیاسی صاحب نفوذ حاکم هستند که در تمام نهادهای قدرت حضور دارند و نه تنها مانع از تصویب هر نوع قانونی که در جهت بهبود حقوق و معیشت زحمتکشان باشد جلوگیری کرده و می کنند، بلکه خود در از میان برداشتن قوانین حمایتی و ایجاد بی قانونی مطلق در بازار کار نقشی اساسی داشته و دارند.

علت عدم تصویب قانون مذکور بواسطه همین تسلط و نفوذ است و تا زمانی که این وضع تداوم داشته باشد محال است اجازه بدهند قوانینی در مجلس از تصویب بگذرد که ذره ای تعدیل در سود و منافع نامشروشان بوجود آورد. اگر در تعدادی از کشورها قوانینی وجود دارند، که تا حدودی حق و حقوقی برای کارگران و زحمتکشان در نظر گرفته اند، در آن کشورها نیز قائل شدن چنین حق و حقوقی بواسطه وجود و فعالیتهای اتحادیه ها و احزاب کارگری و همچنین نوعی دموکراسی است که خود دموکراسی نیز نتیجه فعالیت و وجود احزاب و اتحادیه های کارگری است. کما اینکه در این کشورها نیز قبل از ظهور و رشد اتحادیه های کارگری، حق رای فقط مختص سرمایه داران و اشراف بود و زنان و کارگران حتی از دادن رای و انتخاب شدن محروم بودند.

در همین سیستم ها نیز زمانی که احزاب و اتحادیه ها به هر دلیل تضعیف می شوند و احزاب راست و راست افراطی نیرومندتر می شوند تعرض به حقوق کارگران و عموم غیر ثروتمندان شروع و تعدیل حقوق با تغییر قوانین شروع می شود. بنا بر این کارگران و سایر اقشار غیر سرمایه دار که اکثریت جوامع را تشکیل می دهند، نه تنها سطح آزادی و رفاه شان به نسبت کم و کیف سازمان یافتگی شان است، بلکه حفظ و ارتقا رفاه و آزادی شان مستلزم داشتن حزب و اتحادیه نیرومند و وجود دموکراسی و قوانین دموکراتیک است.

به همین جهت است که احزاب راست و فاشیستی به محض اینکه در نظام های دموکراتیک قدرت پیدا می کنند، تلاش می کنند آزادیهای دموکراتیک و اساسی را تا جایی که دست شان می رسد محدود یا از میان بردارند.

امریکا بزرگترین کشور سرمایه داری در جهان است، با این وصف می بینیم که در این کشور نزدیک به ۴۰ روز است که دولت کارکنان خود را بخاطر اختلاف بر سر بودجه به مرخصی اجباری بی حقوق فرستاده است و حتی بودجه سازمانهایی را که برای برای به مستمند شدگان غذا تهیه می کردند قطع کرده است. اصل دعوا بین دموکراتها و جمهوریخواهان بر سر قطع یا حفظ بیمه درمانی محدود و نیمه بندی است که در زمان اوپاما پس از کشمکشهای بسیار به تصویب رسیده است.

تلاش ترامپیستها برای محدود کردن آزادیهای دموکراتیک در امریکا با سیاستهای اقتصادی این جریان پیوند ناگسستنی دارد و نشان می دهد که سرمایه داری در بزرگترین کشور سرمایه داری جهان نیز نه تنها



ارزشی برای حقوق و رفاه طبقه کارگر و متوسط قائل نیست، بلکه شب و روز برای گرفتن حقوقی که طبقه کارگر و متوسط بدست آورده‌اند حتی بیمه نیمه بند درمانی مشغول فعالیت است

مقصودم از آوردن این یک مثال برای این بود که دلیلی بر آنچه گفتم آورده باشم البته این وضع تنها در امریکا نیست که شاهد نتایج آن هستیم در خیلی از کشورهای پیشرفته نیز که نه تحریم هستند و نه مورد تهدید ات جنگی قرار دارند، حتی در کشوری مانند سوئد که مهد و نماد جوامع معروف به رفاه است نیز بعد از رشد راست با چنین پدیده‌ای روبروست. اما آن چه که تا حدودی مانع بر سر راه تاخت و تاز راست در این کشور ایجاد کرده است وجود سه عامل است، اتحادیه ها و احزاب کارگری نیرومند، دموکراسی نوع اسکاندیاوی، و سطح بالای فرهنگ سیاسی. است.

نتیجه اینکه متأسفانه اعتراضاتی همچون اعتراض ده آبان کارگران با همه اهمیتی که دارد به تنهایی باعث حذف شرکتهای پیمانکاری که هم اکنون دست بالا را در بازار کار ایران دارند نخواهد شد و کارگران برای اینکه به حق و حقوق شان برسند و به مناسباتی که بی شباهت به برده داری نیست پایان دهند، باید خود را متشکل و نیرومند نمود و حمایت و همدردی جمعیت غیر ثروتمند جامعه را با خود همراه نمایند. قدم اول در این راه تلفیق اعتراضات خیابانی با اعتصاب و کار آگاه گرانه در میان شهروندان محلی است که در آنجا می خواهند اعتصاب کنند. در نظام جمهوری اسلامی اعتراض صرف تنها در صورتی می تواند جواب بگیرد که به صورت چند ده هزار نفری بوده و تشکیلات پشت سر آن وجود داشته باشد.



. کیوان مهددی بازداشت شد

. کیوان مهددی مترجم و زندانی سیاسی سابق، صبح امروز بوسیله نیروهای امنیتی بازداشت شد

این کنشگر مدنی در سال ۱۴۰۱ هم بازداشت و بعد از دو سال ونیم حبس، با آزادی مشروط از زندان اوین آزاد شد

در حالی کیوان مهددی مجدداً بازداشت شده است که همسر وی آنیشا اسدالهی نزدیک به سه سال است که در حال گذران حبس می باشد

از نهاد بازداشت کننده و محل انتقال وی خبری در دست نیست

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکومیت بازداشت های اخیر که عمده متوجه نویسندگان، مترجمان و پژوهشگران بوده است، خواهان پایان پرونده سازی و آزادی کیوان مهددی، پرویز صداقت، محمد مالجو، مهسا اسدالله نژاد، شیرین کریمی و سایر پژوهشگرانی است که این روزها مورد تهاجم نیروهای امنیتی قرار گرفته اند.



: محمد مالجو، اقتصاددان و پژوهشگر اقتصادی، اعلام کرد:

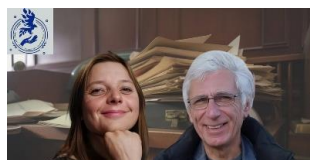
پس از «سه نوبت بازجویی خارج از ضوابط قضایی توسط سازمان اطلاعات سپاه»، دیگر حاضر به پاسخ‌دادن به این نهاد امنیتی نیست و فقط پاسخ‌گوی مقام قضایی خواهد بود.

آقای مالجو روز شنبه ۱۷ آبان با انتشار متنی کوتاه در شبکه‌ی ایکس از تجسس سه‌ساعته‌ی خانه‌اش : توسط مأموران در روز ۱۲ آبان خبر داد و افزود

پس از سه نوبت در دفتر پیگیری و نظارت اطلاعات سپاه ساعاتی طولانی در معرض انواع پرسش‌های خارج «از ضوابط قضایی قرار گرفتم»

این استاد دانشگاه همچنین با اشاره به فشار جسمی و ذهنی این بازجویی‌ها اعلام کرد که به همین دلیل به باقی احضارها توسط اطلاعات سپاه پاسخ مثبت نخواهد داد و فقط پاسخ‌گوی مقام قضایی خواهد بود.

هفته‌ی گذشته مأموران امنیتی جمهوری اسلامی شماری از پژوهشگران، مترجمان و نویسندگان شامل محمد مالجو، مهسا اسدالله‌نژاد، شیرین کریمی، پرویز صداقت، هیمین رحیمی و رسول قنبری را بازداشت کردند و یا تحت بازجویی قرار دادند.



آزادی سیسل و ژاک از زندان اوین

بنا به خبری که به کنشگران حقوق بشر ایران رسیده، پس از بیش از سه سال بازداشت در زندان اوین، سیسل و ژاک سرانجام امروز آزاد شدند. آنان هم‌اکنون در کنسولگری فرانسه در تهران حضور دارند.

این خبر موجی از شادی و امید را در میان فعالان کارگری، مدافعان حقوق بشر و همه کسانی که از ایران و فرانسه وضعیت آنان را پیگیری می‌کردند، برانگیخته است.

در این سال‌ها، نوئمی، خواهر سیسل، نقشی اساسی در جلب توجه افکار عمومی و تلاش‌های بین‌المللی برای آزادی او ایفا کرد.

در پایان، کنشگران حقوق بشر ایران آزادی سیسل و ژاک را صمیمانه تبریک گفته و برای آنان آرامش، سلامت و بازگشت به زندگی آزاد آرزو می‌کنند.



داود رضوی امروز ۱۳ آبان ۱۴۰۴، آزاد شد

داود رضوی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، که در تاریخ ۵ مهر ۱۴۰۱ با یورش مأموران امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شده بود، امروز، بعدازظهر ۱۳ آبان ۱۴۰۴، پس از گذشت سه سال حبس ناعادلانه، به صورت مشروط آزاد شد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، ضمن شادباش به مناسبت آزادی مشروط داود رضوی، خواهان لغو هرگونه شرط، قید و محدودیت برای این فعال کارگری و عضو قدیمی سندیکاست.

!تمامی فعالان کارگری و مدنی و تمامی زندانیان عقیدتی و سیاسی باید آزاد گردند

به امید برقراری صلح و عدالت در ایران و سراسر جهان

چارهی کارگران و زحمتکشان، وحدت و تشکیلات است

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۳ آبان ۱۴۰۴



راهپیمایی و تجمع اعتراض پرستاران #مشهد نسبت به تأخیر در پرداخت حقوق و بی‌عدالتی شغلی

امروز دوشنبه ۱۹ آبان‌ماه، شماری از پرستاران و اعضای کادر درمان بیمارستان قائم مشهد در اعتراض به تأخیر در پرداخت حقوق، شرایط سخت کاری و تحقق نیافتن وعده‌های مسئولان، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

به گفته حاضران، پرستاران که در دوران بحران کرونا از جان خود برای نجات بیماران مایه گذاشتند، امروز با مشکلات معیشتی، فشار کاری بالا و بی‌توجهی به مطالبات صنفی خود روبه‌رو هستند.



یکی از پرستاران معترض گفته است که وعده‌های داده‌شده درباره بهبود وضعیت حقوق و مزایا تاکنون تنها در حد حرف باقی مانده و هیچ اقدام عملی صورت نگرفته است.

معترضان خواستار پرداخت فوری معوقات، افزایش حقوق متناسب با شرایط کاری و اجرای مصوبات مرتبط با رفاه شغلی کادر درمان شدند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>